

بررسی تاثیر محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی شرکت در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران

معصومه داودی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، گروه حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران.
m.davoudi100@gmail.com

دکتر امیر غفوریان شاگردی

گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).
ghafourian@imamreza.ac.ir

شماره ۱۹ / زمستان ۱۳۹۸ (جلد چهارم) / صص ۷۴-۸۹
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره دوم)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی شرکت در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و به لحاظ روش انجام پژوهش، توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران که پس از نمونه گیری، بالغ بر ۱۱۷ شرکت و در یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ است، می باشد. جهت اندازه گیری متغیر تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد از روش کدگذاری و همچنین جهت برآزش متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل، مطابق با پژوهش احمد و دوئلمن (۲۰۱۳)، از معیار overinvit که مرتبط با سرمایه گذاری می باشد، استفاده شده است و جهت اندازه گیری متغیر عملکرد شرکت نیز، نسبت کیوتوبین بکار گرفته شده است. در نهایت نیز جهت برآزش متغیر محافظه کاری حسابداری از مدل خان و واتس استفاده گردیده است. روش آزمون فرضیات در مطالعه حاضر استفاده از رگرسیون معمولی چندگانه و با استفاده از نرم افزار ایویوز بوده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری ندارد در حالی که محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: محافظه کاری حسابداری، تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، عملکرد مالی شرکت.

مقدمه

توسعه بازارهای سرمایه با افزایش آگاهی سهامداران فشار روی شرکت ها برای عملکرد بهتر را افزایش داده است. مدیران شرکت ها در حال حاضر دورانی را پیش روی دارند که آن ها را ملزم می سازد، چارچوب اقتصادی جدیدی در شرکت های خود مستقر کنند که ارزش و سودآوری را بهتر منعکس کند. سهامداران به عنوان مالکان واحد تجاری در پی افزایش ثروت خود

هستند، با توجه به اینکه افزایش ثروت نتیجه عملکرد مطلوب واحد تجاری است، ارزشیابی واحد تجاری برای مالکان دارای اهمیت فراوانی است. در ادبیات جدید مفهوم مدیریت، یعنی کار با دیگران جایگزین کار توسط دیگران شده است. این امر بر پیچیدگی مدیریت افزوده و در آینده نیز خواهد افزود. بنابراین پارادایم های جدید در این حوزه آشکار شده است. از جمله این پارادایم ها هدف ارزش آفرینی در سر لوحه اهداف مدیریت قرار گرفته است. مدیریت ارزش آفرین می بایست از ساز و کارها و شیوه های مدیریتی مؤثر بر ارزش آفرینی بهره برده و در عمل بکار گیرد. توفیق در میزان ارزش آفرینی تا حدود زیادی به کیفیت سنجش عملکرد بستگی دارد. یعنی از شاخص های مبتنی بر ارزش به همراه شاخص های سنتی و یا جایگزین شاخص های سنتی استفاده شود (دمرجان و همکاران^۱، ۲۰۱۳). یکی از مهم ترین اهداف بنگاه های اقتصادی کسب انتفاع و افزایش ثروت صاحبان سهام (مالکان) در دراز مدت می باشد. یافته های حاصل از مطالعات پیشین نشان می دهد که میزان تغییر مدیر عامل شرکت برای شرکت ها با عملکرد خوب در مقایسه با شرکت ها با عملکرد ضعیف، کم تر است. در همین راستا سهامداران، اعتبار دهندگان و دیگر گروه های مرتبط با بنگاه های اقتصادی به منظور اخذ تصمیمات منطقی نیازمند اطلاعات قابل اتکاء و مربوط در خصوص عملکرد آن ها و مدیرانشان می باشند. با توجه به اینکه سهامداران و اعتبار دهندگان منابع مالی محدود خود را به بنگاه های اقتصادی تخصیص می دهند، ارزیابی عملکرد فرآیند رسمی فراهم آوردن اطلاعات در مورد نتایج کار است (عزیززاده، ۱۳۸۸). امروزه کسب و کارها دریافته اند که باید توجه بیشتری نسبت به مسائل توانایی مدیریت از خود نشان دهند. یکی از ملزومات مهم شرکت ها برای بقا در عصر جهانی بودن و دست یافتن به سهم بازار بالا و مزیت رقابتی و بخصوص حرکت در جهت اقتصاد رقابتی توجه به توانایی های مدیریت در کسب و کارها به خصوص در کشور های در حال توسعه نیازمند ایجاد بسترهای لازم از جمله افزایش آگاهی، بررسی محرک های لازم و بر طرف کردن موانع و چالش ها می باشد. از آن جایی که وجود این اعتماد به نفس بیش از حد در سطح مطلوب جهت انجام فعالیت هایی در راستا یا افزایش عملکرد مالی و اقتصادی شرکت ها ضروری به نظر می رسد و همچنین در صورت فقدان این ویژگی مدیران و یا وجود سطح اعتماد به نفس بالاتر از حد مطلوب به ضرر شرکت ها تمام شود. بررسی اثراتی که اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی می تواند بر روی عملکرد مالی و اقتصادی و در کل بر ارزش شرکت ها بگذارد از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. از طرفی این پژوهش از این حیث که می تواند سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه را از خصوصیت کیفی اطلاعات مالی شرکت های مورد سرمایه گذاری آگاه نموده می تواند حائز اهمیت باشد. و از سوی دیگر با انجام چنین بررسی میزان توجه مدیران شرکت ها به تامین اطلاعات مفید برای مالکان و نیز تصمیم گیرندگان را مورد توجه قرار می دهد. در همین راستا، محافظه کاری عدم تقارن تایید هزینه ها و درآمد ها است. این عدم تقارن می تواند بر عملکرد مالی شرکت ها که در قالب اعداد و ارقام صورت های مالی گزارش می شود اثرگذار باشد. محافظه کاری حسابداری شناسایی و انتشار اخبار بد را سرعت می بخشد. به احتمال زیاد مدیر عامل به موقع این مشکل را شناسایی و اقدام به جست و جو برای یافتن راه حل هایی خواهد کرد. تحت چه شرایطی محافظه کاری حسابداری باعث بهبود عملکرد شرکت می شود؟ محافظه کاری به عنوان یک ابزار رضایت مندی عمل می کند و فرصت طلبی مدیر را محدود می کند. در این پژوهش فرض می کنیم که محافظه کاری مخصوصاً زمانی مفید است که شرکت توسط یک مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد اداره می شود. از آنجایی که مدیران دارای اعتماد به نفس بیش از حد توانایی خود را در کنترل وضعیت و تصمیم گیری های بهینه بیش از اندازه برآورد می کنند. آن ها بیشتر مایل به ایجاد پروژه های سرمایه گذاری امیدوارکننده هستند. اگر چه مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد سعی در کاهش میزان

¹ Demerjan et al

محافظه کاری حسابداری دارند اما میزان این کاهش نسبتاً کوچک است زیرا میزان محافظه کاری حسابداری توسط عوامل سازمانی متنوع تعیین می شود که بیشتر آن ها خارج از کنترل مدیران اجرایی شرکت می باشد. بنابراین شرکت هایی که هر دو خصوصیات مدیر عامل را دارند، اعتماد به نفس بیش از حد و محافظه کاری در حال حاضر باید عملکرد بهتری داشته باشند (داودی، ۱۳۹۷).

لذا با عنایت به توضیحات گفته شده و با توجه به این که تاکنون پژوهش تجربی که به بررسی تاثیر محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و عملکرد مالی شرکت پرداخته شده باشد، انجام نشده است لذا پژوهش حاضر از این جنبه دارای نوآوری میباشد، در نهایت در این پژوهش به دنبال پاسخگوئی به این سوال می باشیم که آیا محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی شرکت تاثیر معناداری دارد؟

پیشینه پژوهش

تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد

اطمینان بیش از اندازه یکی از مهم ترین یافته های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم گیری می باشد. روانشناسان یک فرد با ویژگی های رفتاری فرا اطمینانی را به عنوان فردی تعریف می کنند که اعتقاد دارد اطلاعات و دانش ایشان بسیار دقیق است. به نظر هاید متون مربوط به روانشناسی دو تعریف از اطمینان بیش از اندازه ارائه داده اند. نخست برآورد بیش از واقع از توانایی های خود دارند. دوم افراد یک رویداد را معین تر از آنچه که واقعاً هست می بینند. روانشناسان دریافته اند که افراد قابلیت هایشان را در خوب انجام دادن وظایفشان بیش از اندازه تخمین می زنند و این تخمین به نسبت اهمیتی که آن وظایف برای شخص دارد افزایش می یابد. روانشناسان همچنین به این نتیجه رسیدند که افراد در هنگام تصمیم گیری و قضاوت به اطلاعات برجسته وزن بیشتری می دهند. تحقیقات همچنین نشان داده است مشاغلی که به قضاوت نیاز دارند بیش از مشاغل دیگر دچار بیش اطمینانی می شوند. ضمناً هر چه تخصص افراد بیشتر می شود به میزان بیشتری در معرض بیش اطمینانی قرار می گیرند (سعیدی و فرهانیان، ۱۳۹۰). یکی از ریشه های وقوع بیش اطمینانی و اصلاح نشدن آن در نتیجه یادگیری، پدیده فرافکنی است. پس از تجربه شکست ها فرد عامل آن را به دیگران نسبت می دهد تا کماکان با اعتماد به نفس راهش را ادامه دهد که همین موضوع به بیش اطمینانی دامن می زند. علت وجودی بیش اطمینانی آرامشی است که افراد از آن به دست می آورند. حتی پدیده فرافکنی نیز این است که فرد خود را تبرئه می کند تا از عذاب وجدان یا احساس ضرر به علل درونی خلاصی یابد. در عین حال افراد موفقیت ها را به خود نسبت می دهند که این تمایل بیش اطمینانی را افزایش می دهد. ضمناً افراد به دنبال اثبات خود به دیگران نیز هستند تا تحسین آن ها را نسبت به خود جلب کنند. بنابراین گاهی در مورد موفقیت های قبلی خود در صحبت با دیگران اغراق می کنند و این خود از نظر درونی بر آن ها اثر گذاشته، موجب تشدید پدیده بیش اطمینانی می شود. به عبارت دیگر در بیان اغراق آمیز موفقیت ها، خود فرد بیش از دیگران تحت تأثیر سخنان خود قرار می گیرد (سعیدی و فرهانیان، ۱۳۹۰). در همین راستا از مسائل مهمی که به دلیل رسوایی های مالی اخیر در سطح شرکت های مطرح و بزرگ دنیا توجه زیادی را به خود جلب نموده، موضوع تغییر مدیران عامل آن ها می باشد. معمولاً مدیران عامل، مواضع خود را به دلایل مختلفی از جمله عملکرد ضعیف که یکی از شایع ترین دلایل برکناری می باشد از دست می دهند. افزون بر این، دلایل دیگری مانند فشار سهامداران اقلیت، اعمال کنترل و تصاحب، تخلف مالی یا پرونده های

حقوقی که ممکن است به استعفای اجباری مدیریت به جای نظارت عادی بر هیئت مدیره منجر شود از دیگر عوامل شایع در برکناری و اخراج مدیران عامل است (خوش طینت و همکاران، ۱۳۹۷).

عملکرد مالی شرکت

عملکرد عبارت است از دستیابی یا فراتر رفتن از اهداف سازمانی و اجتماعی و انجام مسئولیت هایی که برعهده افراد گذاشته شده است. یکی از مهم ترین سازه های مورد بحث در پژوهش های مدیریتی عملکرد مالی می باشد و بدون شک مهم ترین معیار سنجش موفقیت در شرکت های تجاری محسوب می شود. اما به طور کلی در خصوص این که متغیرها و شاخص های عملکرد مالی کدامند هنوز توافق نظر کاملی در بین صاحب نظران وجود ندارد (داودی، ۱۳۹۷). عملکرد به عنوان شاخصی در نظر گرفته می شود که میزان دستیابی یک شرکت به اهداف خود را مورد سنجش قرار می دهند (واگنر و همکاران^۱، ۲۰۱۲). عملکرد عبارت است از دستیابی یا فراتر رفتن از اهداف سازمانی و اجتماعی و انجام مسئولیت هایی که برعهده افراد گذاشته شده است (خردمند و فتاح ناظم، ۱۳۸۹). سنجش عملکرد مالی شرکتها در پی ایجاد تضاد منافع میان مالکان و مدیران یکی از مسائل خطیر در حوزه مالی تلقی می شود که عدم انجام آن به منزله عدم تخصیص بهینه منابع بوده و موجب زیان دهی مالکین و اقتصاد جامع در سطح کلان می شود. از سوی دیگر در عصر گسترش روزافزون جهانی شدن رقابت پذیری موضوعی مهم در بین سیاست گذاران سطوح مختلف (کشور، صنعت و شرکت) در قسمت های مختلف دنیا تلقی می شود (داودی، ۱۳۹۷).

محافظه کاری حسابداری

محافظه کاری یک میثاق مهم در گزارشگری مالی است و سطح احتیاط در شناسایی و اندازه گیری سود و دارایی ها را نشان می دهد. دلایل متعددی برای وجود محافظه کاری ارائه شده است. از جمله این دلایل، به وجود مسأله مخاطره ی اخلاقی در قراردادهای هزینه های دادرسی، هزینه های سیاسی و انگیزه های مالیاتی اشاره کرد (واتس^۲، ۲۰۰۳). تغییر شرایط سبب خواهد شد، زمینه و ضرورت هر یک از این دلایل در شرکت های مختلف متفاوت باشد که در نتیجه باعث خواهد شد تقاضا برای محافظه کاری در بین شرکت های مختلف نیز تغییر کند. محققان، متغیرهای متعددی معرفی کرده اند که با تغییر میزان هر یک از آن ها، ضرورت و اهمیت تقاضا برای محافظه کاری نیز تغییر خواهد کرد (فروغی و عباسی، ۱۳۹۰). محافظه کاری به طور سنتی به اینگونه تعریف شده است: هیچ سودی را پیش بینی نکنید، اما تمام زیان ها را پیش بینی کنید (بلیس^۳، ۱۹۲۴). باسو (۱۹۹۷) محافظه کاری را کاهش سود و کمتر نشان دادن دارایی ها در پاسخ به اخبار بد و در مقابل، بیشتر نمایش دادن دارایی ها و سود حسابداری در پاسخ به اخبار خوب تعریف می کند. از نظر گیولی و هاین (۲۰۰۰)، محافظه کاری عبارت است از انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان که در نهایت به ارائه کمترین دارایی ها و درآمدها بینجامد و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا در بیانیه شماره ۲ خود این نوع رفتار را با تعریف محافظه کاری به عنوان «واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از اینکه ابهام و ریسک های ذاتی شرایط تجاری به گونهای مناسب مدنظر قرار گرفته اند.» تأیید کرده است (داودی، ۱۳۹۷).

¹ Wagner et al

² Watss

³ Blies

پیشینه تجربی پژوهش

داودی (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. حامدی و صراف (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر با عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت و بازده سهام رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معنادار و منفی وجود دارد. همچنین بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت و ارزش افزوده بازار رابطه معنادار وجود ندارد. خدای پور و پناهی گنهرانی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر کارایی سرمایه گذاری با لحاظ عدم تقارن پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان می دهد تأثیر محافظه کاری بر کارایی سرمایه گذاری با وجود عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. هسو و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان آیا محافظه کاری حسابداری، کاستی های اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل را کاهش می دهد؟ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین محافظه کاری حسابداری و اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل رابطه معناداری وجود دارد. چن و همکاران^۲ (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از مدیران ارشد بر روی عملکرد بلند مدت شرکت پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که اعتماد به نفس بیش از حد باعث افزایش در مخارج تحقیق و توسعه خواهد شد و به دنبال آن افزایش در مخارج تحقیق توسعه منجر به بهبود عملکرد بلند مدت شرکت های شود. ژانگ^۳ (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان تعارض ناشی از تغییر اجباری مدیر عامل شرکت و عملکرد شرکت انجام داده است. نتایج مطالعه وی نشان داده اند که عملکرد عملیاتی شرکت در اثر تغییر قبلی کاهش یافته و پیرو تغییر جدید بهبود یافته است. با این حال، بر خلاف اکثر مطالعات انجام شده، پیرو تغییر مدیر عامل شرکت، بازده غیر عادی سهام را منفی یافته است که نشان می دهد، سرمایه گذاران اطلاعیه های تغییر مدیر عامل شرکت را زمانی که مدیران عامل برای تعارض، برکنار گشته اند به عنوان اخبار خوب، درک نکرده اند. لی^۴ (۲۰۱۰)، در پژوهشی نقش محافظه کاری حسابداری در تصمیمات مالی شرکت ها را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که شرکت های با محافظه کاری حسابداری بالاتر، انعطاف پذیری کمتری را در مدیریت نقدینگی و تصمیمات مربوط به صدور سهام نشان می دهند. فریدل و رزبو^۵ (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان اثرات تغییر مدیر عامل بر عملکرد شرکت انجام داده اند. تجزیه و تحلیل های آماری این پژوهش نشان داده اند، تغییر مدیر عامل شرکت همبستگی منفی با توسعه سهام شرکت دارد. این اثر در کوتاه مدت (۰-۱ سال) به شدت قابل توجه است، و تنها به مقدار کمی در بلند مدت (۰-۲ و ۰-۳ سال) قابل توجه می باشد.

¹ Hsu et al

² Chen et al

³ Zhang

⁴ Lee

⁵ Friedl and Resbou

فرضیه های پژوهش

در نهایت و با توجه به مبانی نظری و پژوهشهایی که در فوق به آن اشاره شده است، بنابراین فرضیه پژوهش به شرح ذیل می باشد:

فرضیه اول: محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی شرکت تاثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و عملکرد مالی شرکت تاثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف پژوهشی کاربردی و از لحاظ نوع روش پژوهش، پژوهشی توصیفی-همبستگی می باشد. به منظور جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شده است. قسمت مبانی نظری از کتب، مجلات و سایت های تخصصی فارسی و لاتین، و داده های مالی مورد نیاز با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین، تدبیر پرداز و سایت کدال، گردآوری شده اند. جامعه آماری مورد هدف در این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و از همه صنایع طی سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ می باشد. نمونه آماری به روش نمونه گیری حذفی (سیستماتیک) که در آن شرکت های انتخاب شده با توجه به محدودیت های ذکر شده در ذیل از بین مجموعه ای از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که دارای شرایط ذیل باشند:

- سال مالی هر شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
 - شرکت ها طی سال مورد پژوهش، تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - جزء بانکها و موسسات مالی، شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، هلدینگ و لیزینگها نباشند. زیرا افزایش اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آن ها متفاوت است.
 - معاملات سهام شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشند.
 - اطلاعات مالی مورد نیاز به منظور استخراج داده های مورد نیاز پژوهش در دسترس باشد.
- با در نظر گرفتن شرایط فوق تعداد ۱۱۷ شرکت باقی ماند که در حقیقت نشان دهنده جامعه آماری واقعی مورد رسیدگی می باشد. بنابراین با استفاده از روش آماری رگرسیون چند گانه معمولی، فرضیات پژوهش که در قسمت قبل بیان گردید، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین آزمون فرضیه پژوهش به کمک نرم افزار Eviews، و به شرح طرح آزمون آماری فرضیه ها که در بخش های بعد ارائه می شود، صورت پذیرفته است.
- در این پژوهش برای آزمون فرضیه پژوهش و به پیروی از مدل هسو و همکاران (۲۰۱۷) از مدل های رگرسیونی ذیل استفاده شده است:

(۱)

$$\text{Performance}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ChgOC}_{i,t} + \alpha_2 \text{CONSER}_{i,t} + \alpha_3 \text{ChgOC}_{i,t} \times \text{CONSER}_{i,t} + \alpha_4 \text{SIZE}_{i,t} + \alpha_5 \text{BTM}_{i,t} + \alpha_6 \text{LEV}_{i,t} + \alpha_7 \text{AGE}_{i,t} + \alpha_8 \text{MGN_OWN}_{i,t} + \alpha_9 \text{INST}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(۲)

$$\text{Performance}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{OC}_{i,t} + \alpha_2 \text{CONSER}_{i,t} + \alpha_3 \text{OC}_{i,t} \times \text{CONSER}_{i,t} + \alpha_4 \text{SIZE}_{i,t} + \alpha_5 \text{BTM}_{i,t} + \alpha_6 \text{LEV}_{i,t} + \alpha_7 \text{AGE}_{i,t} + \alpha_8 \text{MGN_OWN}_{i,t} + \alpha_9 \text{INST}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آن

بر اساس مبانی ارائه شده در این پژوهش متغیرها در چهار گروه مستقل، وابسته، تعدیل گر و کنترلی بیان شده اند، که در ادامه ارائه می شوند.

متغیر مستقل

تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد (ChgOC_{i,t}): متغیر مستقل این پژوهش، تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد می باشد که به عنوان یک متغیر مستقل موهومی تعریف شده که خود نیز متشکل از دو متغیر تغییر مدیر عامل و اعتماد به نفس بیش از حد بوده که این دو متغیر به صورت ذیل تعریف می شوند:

تغییر مدیر عامل: اگر مدیر عامل جدید (امسال یا سال جاری) نسبت به سال قبل تغییر داشته باشد عدد یک را اختیار می کند و در غیر اینصورت این مقدار برابر با صفر خواهد شد.

اعتماد به نفس بیش از حد (OC_{i,t}): تصمیم های سرمایه گذاری شرکت حاوی اطلاعاتی درباره میزان اطمینان بیش از حد مدیریتی است (کمپبل و همکاران^۱، ۲۰۱۱). مطابق با پژوهش احمد و دوئلمن^۲ (۲۰۱۳) برای اندازه گیری اعتماد بیش از حد مدیریتی، از معیار overinvit که مرتبط با سرمایه گذاری است، استفاده شده است.

معیار (overinvit): مطابق با پژوهش احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) و اسپرانندو زچمن^۳ (۲۰۱۲)، عبارتست از مفهوم مازاد سرمایه گذاری که از رگرسیون رشد دارایی ها نسبت به رشد فروش در سطح صنعت به شرح ذیل به دست می آید و در صورتی که باقی مانده این رابطه برای شرکتی مثبت باشد، به این معناست که در آن شرکت سرمایه گذاری بیش از حد انجام شده است و برای آن عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

(۳)

$$\text{ASSET.GRit} = \beta_0 + \beta_1 \text{SALE.GRit} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن :

ΔAsset : تغییرات جمع کل دارایی های سال جاری نسبت به سال قبل است؛ ΔSales : تغییرات کل درآمدهای فروش سال جاری نسبت به سال قبل است.

لذا با توجه به مطالب فوق الذکر اگر مدیر عامل، هم زمان دو شرط تغییر و اعتماد به نفس بیش از حد را داشته باشد، متغیر تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد عدد یک را اختیار و در غیر اینصورت صفر کدگذاری می شود.

¹ Campbell et al

² Ahmad and Duelman

³ Scherandou and Zechman

متغیر وابسته

عملکرد مالی شرکت ($Performance_{i,t}$): در این پژوهش عملکرد شرکت، متغیر وابسته است. برای اندازه گیری این متغیر، از شاخص نسبت Q توبین استفاده می کنیم. این نسبت نقش مهمی در فعل و انفعالات مالی و به خصوص فرصت های سرمایه گذاری بازی می کند و به صورت نسبت ارزش بازار شرکت به هزینه های جایگزینی دارایی هایش تعریف می شود. به این معنا که دارایی های شرکت باید قابلیت جایگزینی ارزش بازار شرکت را داشته باشد. به این ترتیب چنانچه ارزش شرکت بیش از ارزش دفتری دارایی های آن باشد، این شرکت توانسته به نحوی بهینه، از دارایی های خود استفاده کند؛ چنان چه مقدار Q توبین از ۱ کوچکتر باشد، نشان دهنده این است که عملکرد شرکت، بازدهی چندانی نداشته است. این معیار از طریق رابطه (۴) محاسبه می شود (بلک و همکاران^۱، ۲۰۰۹):

(۴)

$$\text{Tobin's } Q = (MVS + BVD) / BVA$$

که در آن:

MVS : ارزش بازار سهام عادی؛ BVD : ارزش دفتری بدهی ها؛ BVA : ارزش دفتری دارایی ها می باشد. متغیر وابسته نیز ارزش شرکت می باشد که برای محاسبه آن از شاخص توزیع کیوتوبین (که از معیارهای مناسب برای اندازه گیری و ارزش گذاری شرکتهاست) استفاده شد (حیدریور و مستوفی، ۱۳۸۸). شاخص توبین از تقسیم ارزش بازار دارایی های شرکت و کل بدهی ها بر ارزش دفتری یا ارزش جایگزینی داراییهای شرکت به دست می آید (صالحی، ۱۳۸۰). از جمله مزایای کیوتوبین می توان سادگی در فهم برای استفاده کنندگان و تحلیل گران مالی، سهولت دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه (به شرط اینکه الگوی Q ساده باشد)، و محاسبه ساده تر (به خاطر عدم وجود اوراق قرضه و سهام ممتاز منتشره توسط شرکت های ایرانی) را نام برد. کیوتوبین معیاری است که بیشتر مبتنی بر اطلاعات بازار است، بنابراین نقاط ضعف معیارهای مبتنی بر سود حسابداری را ندارد (کاشانی پور و رسائیان، ۱۳۸۸). علت انتخاب کیوتوبین به عنوان معیار سنجش عملکرد، قابلیت مقایسه نتایج پژوهش با پژوهش مشابه انجام شده توسط (هسو و همکاران، ۲۰۱۷) بوده است.

متغیر تعدیل گر

محافظه کاری حسابداری ($CONSER_{i,t}$)

متغیر تعدیل گر در این پژوهش شاخص محافظه کاری است. که بر مبنای مدل تعدیل شده باسو بدست می آید. مدلی که باسو برای اندازه گیری محافظه کاری طراحی کرد به صورت رابطه (۵) است:

(۵)

$$Earn_i = \beta_0 + \beta_1 Neg + \beta_2 Ret_i + \beta_3 Ret_i * Neg + \mu_i$$

که در آن:

$Earn$: سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در اول دوره، Neg : متغیر مجازی، در صورت وجود بازده سهام منفی برابر با یک و در غیر این صورت صفر و Ret_i : نرخ بازده سالانه سهام شرکت، بازده سهام ۱۲

¹ Beleck et al

ماهه در پایان دوره مالی، برابر است با تفاوت قیمت هر سهم در ابتدای دوره بعلاوه تعدیلات ناشی از عایدات سهام، تقسیم بر قیمت سهم در ابتدای دوره می باشد.

Neg: برای شرکت هایی که بازده منفی یا صفر دارند (وجود اخبار بد) ارزشی برابر ۱ و در حالتی که بازده سهام مثبت باشد (وجود اخبار خوب) ارزش برابر با صفر دارد. در این مدل چنانچه بازده سهام مثبت باشد ضریب β_2 حساسیت واکنش سود را نسبت به اخبار خوب می سنجد و چنانچه بازده سهام منفی باشد. حساسیت واکنش سود را نسبت به اخبار بد می سنجد. به نظر باسو واکنش سود نسبت به اخبار بد به هنگام تر از واکنش سود نسبت به اخبار خوب است. بنابراین $\beta_2 > \beta_3 + \beta_2$ و در نتیجه $\beta_3 > 0$. ضریب β_3 نشان دهنده ی محافظه کاری است.

مدل باسو هم در سطح سال- صنعت با استفاده از رگرسیون مقطعی و یا برای یک شرکت با استفاده از سری زمانی در سطح سال- شرکت برآورد می شود. هر دوی این روش ها محدودیت هایی دارند. در این پژوهش از مدل خان و واتز (۲۰۰۹) برای محاسبه معیار محافظه کاری استفاده می کنیم. خان و واتز محافظه کاری سالانه شرکت و حساسیت نسبت به اخبار خوب را به صورت تابعی خطی از ویژگی های شرکت بیان کردند:

$$G - Score = \beta_2 = \mu_1 + \mu_2 SIZE_{it} + \mu_3 M/B_{it} + \mu_4 LEV_{it} \quad (۶)$$

$$C - Score = \beta_3 = \lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{it} + \lambda_3 M/B_{it} + \lambda_4 LEV_{it} \quad (۷)$$

که در آن:

SIZE، اندازه شرکت و برابر است با لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، M/B، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و LEV، اهرم و برابر است با مجموع بدهی های کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

در این پژوهش C - Score یا همان CONS، معیار محافظه کاری است. برای محاسبه ی آن ضرایب β_2 و β_3 را در مدل اصلی باسو قرار می دهیم. مدل تعدیل شده باسو به صورت رابطه (۸) است.

(۸)

$$Earn_i = \beta_0 + \beta_1 Neg + Ret_i (\mu_1 + \mu_2 SIZE_{it} + \mu_3 M/B_{it} + \mu_4 LEV_{it}) + Ret_i * Neg (\lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{it} + \lambda_3 M/B_{it} + \lambda_4 LEV_{it}) + \delta_1 SIZE_{it} + \delta_2 M/B_{it} + \delta_3 LEV_{it} + \delta_4 SIZE_{it} * Neg + \delta_5 M/B_{it} * Neg + \delta_6 LEV_{it} * Neg + \mu_i$$

رگرسیون فوق برای هر سال نمونه، به صورت مقطعی برآورد می شود. در نهایت از این ضرایب برآوردی برای محاسبه C - Score (Cons) همان گونه که در معادله (۵) بیان شد، استفاده می کنیم (فخاری و رسولی، ۱۳۹۲).

متغیرهای کنترلی

SIZE = مطابق با پژوهش مارچیا و مورا (۲۰۱۰) اندازه شرکت میباشد و به صورت لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت محاسبه می شود.

BTM = نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار می باشد و به صورت نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان سال مالی محاسبه می شود (هسو همکاران، ۲۰۱۷).

LEV = اهرم مالی می باشد و به صورت نسبت ارزش دفتری بدهی تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می شود (هسو و همکاران، ۲۰۱۷).

AGE = سن شرکت می باشد و به صورت لگاریتم طبیعی تفاوت سال ورود به بورس شرکت و سال مورد بررسی محاسبه می شود (انواری رستمی و همکاران، ۱۳۹۳).

MGN_OWN = مالکیت مدیریتی می باشد و به صورت نسبت سهامی که در اختیار هیئت مدیره شرکت است، محاسبه می شود (واعظ و همکاران، ۱۳۸۹).

INST = مالکیت نهادی می باشد و به صورت نسبت مالکیت سهامداران نهادی (درصد سهامی که در اختیار بانکها، بیمه‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های سرمایه گذاری است) محاسبه می شود (مادیتینوس و همکاران^۱، ۲۰۱۲).
ε = جزء خطا مدل می باشد.

آمار توصیفی

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی هم‌چون میانگین و شاخص‌های پراکنندگی هم‌چون انحراف معیار، و همچنین حداقل و حداکثر انجام پذیرفته است. آمار توصیفی پژوهش نیز به شرح جدول (۱) می‌باشد:

جدول (۱): آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
عملکرد	۱/۵۹۶	۱/۴۰۴	۴/۵۷۸	۰/۷۸۰	۰/۶۷۸
محافظه کاری	۰/۳۴۰	۰/۳۳۵	۰/۵۲۸	۰/۲۷۱	۰/۰۳۲
اندازه شرکت	۱۴/۰۸۳	۱۳/۹۵۸	۱۸/۴۲۰	۱۱/۱۴۵	۱/۳۶۲
ارزش دفتری به بازار	۰/۵۳۶	۰/۴۶۴	۲/۲۵۴	-۰/۷۵۸	۰/۴۲۶
اهرم شرکت	۲/۸۱۹	۱/۵۹۸	۵۲/۶۵۰	-۱۵/۳۸۳	۶/۶۱۶
لگاریتم سن شرکت	۲/۸۳۶	۲/۸۳۳	۳/۷۴۵	۱/۹۴۶	۰/۳۷۷
مالکیت نهادی	۰/۳۸۵	۰/۲۹۰	۰/۹۷۵	۰/۰۰۰	۰/۳۳۱
مالکیت مدیریتی	۰/۶۱۳	۰/۶۸۸	۰/۹۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۲
عملکرد	۱/۵۹۶	۱/۴۰۴	۴/۵۷۸	۰/۷۸۰	۰/۶۷۸
محافظه کاری	۰/۳۴۰	۰/۳۳۵	۰/۵۲۸	۰/۲۷۱	۰/۰۳۲
متغیرهای مصنوعی پژوهش					
متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد ۱	تعداد ۰	
بیش اعتمادی	۰/۳۴۶	۰/۴۷۶	۲۸۲	۵۳۳	
تغییر مدیرعامل	۰/۲۵۹	۰/۴۳۸	۲۱۱	۶۰۴	
تغییر مدیرعامل با بیش اعتمادی	۰/۰۷۲	۰/۲۵۹	۵۹	۷۵۶	

¹ Manditious et al

اصلی ترین شاخص مرکزی میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است و همچنین انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. حال با توجه به نتایج جدول (۱) میانگین متغیر محافظه کاری معادل ۰/۳۴۰ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته اند، و انحراف معیار آن معادل ۰/۳۲ است. به عبارت دیگر، مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد، متوسط میزان پراکندگی مقادیر محافظه کاری حول میانگین برابر ۰/۳۲ است.

آمار استنباطی

آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن

نتایج حاصل از آزمون چاو و هاسمن جهت انتخاب الگوی مناسب تخمین مدل های پژوهش در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲): آزمون F لیمر برای تعیین روش پانل یا پولینگ

فرضیه	آماره F	مقدار احتمال	سطح معناداری	نتیجه آزمون
اول	چاو	۴۵۸/۰۰۴	۰/۰۰۰۰	ارجحیت پانل
اول	هاسمن	۴۹/۴۵۵	۰/۰۰۰۰	ارجحیت اثرات ثابت
دوم	چاو	۴۴۹/۷۰۲	۰/۰۰۰۰	ارجحیت پانل
دوم	هاسمن	۵۳/۲۰۳	۰/۰۰۰۰	ارجحیت اثرات ثابت

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون چاو کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه تخمین مدل به صورت پانل نسبت به تخمین مدل به صورت ترکیبی ارجحیت دارد. همچنین با توجه به آزمون هاسمن که سطح معناداری آن نیز کمتر از ۰/۰۵ است، اثرات ثابت نسبت به اثرات تصادفی ارجحیت دارد. در نتیجه در تخمین این مدل ها از روش پانل با اثرات ثابت استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل نتایج مدل فرضیه اول پژوهش

با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود که آماره F دارای مقدار ۱۸/۹۶۲ و معناداری آن نیز کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه کلیت مدل رگرسیون پذیرفته می‌شود؛ به این معنی که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد و حداقل یک متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری دارد. خلاصه نتایج مدل رگرسیونی پژوهش در جدول (۳)، ارائه شده است:

جدول (۳): نتایج تخمین مدل فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره T	احتمال
عرض از مبدا	۴/۶۹۲	۱/۰۶۵	۴/۴۰۸	۰/۰۰۰
تغییر مدیرعامل با اعتماد	۰/۰۰۲	۰/۰۵۹	۰/۰۳۰	۰/۹۷۶
به نفس بیش از حد	۱۰/۲۵۵	۱/۳۱۳	۷/۸۱۳	۰/۰۰۰
محافظه کاری	۰/۸۷۴	۲/۱۹۳	۰/۳۹۹	۰/۶۹۰
اثر تعاملی				

اندازه شرکت	-۰/۱۸۳	۰/۰۷۳	-۲/۵۰۲	۰/۰۱۳
ارزش دفتری به بازار	-۰/۴۵۰	۰/۰۴۴	-۱۰/۲۱۹	۰/۰۰۰
اهرم شرکت	-۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	-۴/۳۰۹	۰/۰۰۰
سن شرکت	-۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	-۰/۷۶۰	۰/۴۴۸
مالکیت نهادی	-۰/۰۸۹	۰/۰۹۹	-۰/۹۰۲	۰/۳۶۷
مالکیت مدیریتی	۰/۰۲۷	۰/۰۶۷	۰/۴۰۲	۰/۶۸۸
ضریب تعیین			۰/۷۸	
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۷۴	
والد F آماره			۱۸/۹۶۲	
معناداری F			۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون			۱/۶۴	

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره (۳) از برآورد الگوی تحقیق، و با عنایت به آماره F (۱۸/۹۶۲) و سطح احتمال بدست آمده برای آن که برابر با (۰/۰۰۰) و کمتر از ۰/۰۵ می باشد، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان بیان کرد که در کل الگوی تحقیق به خوبی برازش شده و از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل که برابر ۰/۷۴۳ می باشد، می توان بیان کرد که متغیرهای مستقل بیش از ۷۴ درصد از میزان عملکرد مالی شرکت ها را توضیح می دهند. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده، که برابر ۱/۶۴۶ است و چون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می توان بیان کرد که خود همبستگی سریالی میان جملات باقیمانده های الگوی تحقیق وجود ندارد.

تجزیه و تحلیل نتایج مدل فرضیه دوم پژوهش

نتایج حاصل از تخمین مدل فرضیه دوم پژوهش در جدول (۴) ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول (۴) مشاهده می شود که آماره F دارای مقدار ۱۹/۶۵۵ و معناداری آن نیز کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه کلیت مدل رگرسیون پذیرفته می شود؛ به این معنی که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد و حداقل یک متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری دارد. خلاصه نتایج مدل رگرسیونی پژوهش در جدول (۴)، ارائه شده است:

جدول (۴): نتایج تخمین مدل فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	T آماره	احتمال
عرض از مبدا	۵/۴۷۵	۱/۰۴۱	۵/۲۶۲	۰/۰۰۰
بیش اعتمادی	۱۱۱۰	۰۲۸۰	۰۳۲۰۴	۰۰۰۰
محافظه کاری	۹/۷۶۹	۱/۳۱۱	۷/۴۵۳	۰/۰۰۰
اثر تعاملی	۱/۹۵۷	۱/۰۰۵	۱/۹۴۷	۰/۰۵۲
اندازه شرکت	-۰/۲۴۱	۰/۰۷۲	-۳/۳۶۷	۰/۰۰۱
ارزش دفتری به بازار	-۰/۴۳۹	۰/۰۴۳	-۱۰/۲۹۶	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	-۴/۴۳۰	۰/۰۰۴	-۰/۰۱۹	اهرم شرکت
۰/۴۳۹	-۰/۷۷۵	۰/۰۹۳	-۰/۰۷۲	سن شرکت
۰/۱۸۹	-۱/۳۱۶	۰/۰۹۳	-۰/۱۲۳	مالکیت نهادی
۰/۷۵۱	۰/۳۱۷	۰/۰۶۶	۰/۰۲۱	مالکیت مدیریتی
	۰/۷۹			ضریب تعیین
	۰/۷۵			ضریب تعیین تعدیل شده
	۱۹/۶۵۵			والد F آماره
	۰/۰۰۰			معناداری F
	۱/۷۰۶			آماره دوربین واتسون

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره (۴) از برآورد الگوی تحقیق، و با عنایت به آماره F (۱۹/۶۵۵) و سطح احتمال بدست آمده برای آن که برابر با (۰/۰۰۰) و کمتر از ۰/۰۵ میباشد، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان بیان کرد که در کل الگوی تحقیق به خوبی برازش شده و از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل که برابر ۰/۷۵۰ میباشد، می توان بیان کرد که متغیرهای مستقل بیش از ۷۵ درصد از میزان عملکرد مالی شرکت ها را توضیح می دهند. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده، که برابر ۱/۷۰۶ است و چون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می توان بیان کرد که خود همبستگی سریالی میان جملات باقیمانده های الگوی تحقیق وجود ندارد. در ادامه به بررسی نتایج بدست آمده برای فرضیه های پژوهش پرداخته شده است.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش بیان می کرد محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی شرکت تاثیر معناداری دارد. همانطور که در تحلیل های رگرسیونی مشاهده شد سطح معنا داری متغیر اثر تعاملی در مدل پژوهش بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین ضریب متغیر اثر تعاملی معنادار نمی باشد، بدین معنی که محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی شرکت تاثیر معناداری ندارد و در نتیجه فرضیه اول پژوهش رد می شود. در تبیین نتایج حاصل از این فرضیه می توان به این مسئله اشاره نمود که تغییر مدیر عامل پدیده ای است که با توجه به مسائل پیش روی شرکت ها و بهره مندی مدیران از نقش نمایندگی صاحبان شرکت ها می توان در صورت قصور مدیران، اقدام به تغییر آن ها نمود و بنابراین، این پدیده دیر یا زود در هر سازمانی به چشم خواهد خورد. افزون بر این پژوهشگران متعددی نشان داده اند، مدیران شرکت ها در رأس موفقیت و یا ورشکستی شرکت ها به دلیل شکل گیری رابطه نمایندگی و برخورداری از اختیارات نامحدود هستند. از این رو بررسی عملکرد مدیران از اهمیت خاصی برخوردار است. و با توجه به اینکه واتر به نقل از بلیس محافظه کاری را در بیان امری به حسابداران اینگونه بیان نموده که: هیچ سودی را پیش بینی نکنید، اما همه ی زیان ها را پیش بینی کنید. نتایج نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری بر ارتباط بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد مالی تاثیر نمی گذارد، که با نتایج با نتایج لیندریانسری و هارتنو (۲۰۱۲) که در پژوهشی تحت عنوان ارتباط بین عملکرد حسابداری و تغییر مدیر عامل در کشور اندونزی انجام داده اند و این پژوهش شواهد تجربی در مورد سودمند بودن اطلاعات حسابداری در مورد تغییر مدیر عامل شرکت فراهم نموده است. این دو

پژوهشگر تعداد ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی را در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۸ مورد بررسی قرار داده اند. آن ها به منظور انجام مطالعه خود برای آزمون عملکرد حسابداری شرکت ها از سه شاخص بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام و عایدات استفاده کرده اند. به طور کلی نتایج مطالعه آنان نشان داده که عملکرد حسابداری تأثیر منفی معنی دار بر تغییر مدیر عامل داشته با این حال تغییر مدیر عامل بر عملکرد حسابداری تأثیر گذار نبوده است و همچنین با نتایج پژوهش خوش طینت و همکاران (۱۳۹۷) که به بررسی ارتباط بین شاخص های مالی و تغییر مدیر عامل پرداختند و نتیجه نهایی این پژوهش حاکی از این بود که شاخص های مالی می تواند به عنوان یک عامل پیش بینی کننده، تغییر آتی مدیر عامل را پیش بینی نماید، مطابقت ندارد و این به دلیل نقش تعدیلی متغیر محافظه کاری حسابداری می باشد. فرضیه دوم پژوهش بیان می کرد محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد. همانطور که در تحلیل های رگرسیونی مشاهده شد سطح معنا داری متغیر اثر تعاملی در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین ضریب متغیر اثر تعاملی معنادار می باشد، بدین معنی که محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و عملکرد مالی شرکت تأثیر معناداری دارد و در نتیجه فرضیه پژوهش پذیرفته می شود. در تبیین نتایج حاصل از این فرضیه می توان به این مسئله اشاره نمود که محافظه کاری به عنوان یک ابزار رضایت مندی عمل می کند و فرصت طلبی مدیر را محدود می کند. از آنجایی که مدیران دارای اعتماد به نفس بیش از حد توانایی خود را در کنترل وضعیت و تصمیم گیری های بهینه بیش از اندازه برآورد می کنند، آن ها بیشتر مایل به ایجاد پروژه های سرمایه گذاری امیدوار کننده هستند. اگر چه مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد سعی در کاهش میزان محافظه کاری حسابداری دارند اما میزان این کاهش نسبتاً کوچک است زیرا میزان محافظه کاری حسابداری توسط عوامل سازمانی متنوع تعیین می شود که بیشتر آن ها خارج از کنترل مدیران اجرایی شرکت می باشد. بنابراین شرکت هایی که هر دو خصوصیات مدیر عامل را دارند اعتماد به نفس بیش از حد و محافظه کاری در حال حاضر باید عملکرد بهتری داشته باشند. نتایج این فرضیه با نتایج پناهی گنهرانی (۱۳۹۶) و چن و همکاران (۲۰۱۴) و لی (۲۰۱۰) و هسو و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج مبتنی بر فرضیه پژوهش پیشنهاد کاربردی بدین صورت ارائه می گردد: به سرمایه گذارانی که ریسک پذیر می باشند، توصیه می گردد در شرکت هایی که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد دارند، سرمایه گذاری نمایند. زیرا چنین مدیرانی سرمایه گذاری در پروژه های مخاطره آمیز را ترجیح می دهند و اغلب سعی می نمایند که عملکرد شرکت را مطلوب جلوه دهند. این در حالی است که به سرمایه گذارانی که ریسک گریز می باشند توصیه می گردد، در شرکت هایی که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد دارند، سرمایه گذاری نمایند. به سازمان بورس و اوراق بهادار نیز پیشنهاد می گردد که شرکت ها را ملزم به افشای اطلاعات تغییر مدیران (دلایل اجباری و اختیاری) نمایند. به پژوهشگران جهت پژوهش های آتی نیز توصیه می گردد که به جای استفاده از مدل خان و واتس برای محاسبه محافظه کاری که یک دوره زمانی حداقل هشت سال باید در نظر گرفته شود، از سایر مدل ها مانند معیار اقلام تعهدی غیر عملیاتی گیولی و هاین (۲۰۰۰) که در ایران توسط مشایخی و همکاران (۱۳۸۸) بکار گرفته شده است، استفاده شود.

منابع

- ✓ انواری رستمی، علی اصغر، سجادیپور، رحمان، ییلویی، مالک، (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت سرمایه در گردش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ششم، شماره ۱، صص ۱۵-۲۶.
- ✓ حامدی، سحر، فاطمه، صراف، (۱۳۹۶)، ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر با عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و اقتصاد دانش بنیان با تاکید بر اقتصاد مقاومتی، تهران، دانشگاه علامه مجلسی.
- ✓ حیدرپور، فرزانه، مستوفی، حمید، (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین نسبت کیوتوبین و ارزش افزوده اقتصادی پالایش شده در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مالی، دوره دوم، شماره ۴۵، صص ۲۰-۳۰.
- ✓ خدای پور، احمد، پناهی گنهرانی، رقیه، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر کارایی سرمایه گذاری با لحاظ عدم تقارن اطلاعاتی، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۳، پیاپی ۳۳، صص ۹۱-۱۱۰.
- ✓ خردمند، ابراهیم، ناظم، فتاح، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و عملکرد کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، فصلنامه مدیریت بهره وری (فراسوی مدیریت)، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۵۹-۱۸۱.
- ✓ خوش طینت، محسن، زمانیان فر، لیلا، دهقان نیری، محمود، (۱۳۹۷). ارتباط بین شاخص های مالی و تغییر مدیر عامل، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۰۷-۱۳۰.
- ✓ داودی، معصومه، غفوریان شاگردی، امیر، (۱۳۹۸)، رابطه بین تغییر مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و عملکرد شرکت در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، هفدهمین همایش ملی حسابداری ایران، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- ✓ داوودی، معصومه، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و عملکرد مالی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع).
- ✓ سعیدی، علی، فرهانیان، سیدمحمدجواد، (۱۳۹۰)، مبانی اقتصاد و مالی رفتاری، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس با همکاری دانشگاه علوم اقتصادی.
- ✓ صالحی، عبداللهی، (۱۳۸۰)، تاثیر وجود همبستگی بین نسبت کیوتوبین و سایر نسخه های کیوتوبین در ارزیابی ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ✓ عزیززاده، طاهره. (۱۳۸۸). بررسی نقش معیارهای سنجش عملکرد در ایجاد ارزش برای شرکت، مجله حسابداری، شماره ۲۰۸، صص ۴۴-۴۹.
- ✓ فخاری، حسین، رسولی، شادی، (۱۳۹۲)، بررسی اثر محافظه کاری و کیفیت اقلام تعهدی بر کارایی سرمایه گذاری، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۲، شماره ۸، صص ۸۱-۱۰۰.
- ✓ فروغی، داریوش، عباسی، جواد، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری، پژوهش های تجربی حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۲.

- ✓ کاشانی پور، محمد، رسائیان، امیر، (۱۳۸۸)، رابطه کیو توبین و معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت ها در ایران، حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۱۲، صص ۱۳۱-۱۴۶.
- ✓ واعظ، سید علی، کراهی مقدم، سیروس، الهائی سحر، مهدی، (۱۳۸۹)، بررسی عملکرد شرکت و حاکمیت شرکتی از طریق ساختار مالکیت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۱۴-۱۳۵.
- ✓ Ahmed, A. & Duellman S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, Vol. 51, No. 1, PP. 1-30.
- ✓ Basu. S. (1997). "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings". *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1): 3-37.
- ✓ Black, B. S. Kim W. Jang H. & S.P.Park. (2009). How Corporate Governance Affects Firm Value: Evidence on Channels from Korea. Electronic copy available at://ssrn.com.
- ✓ Bliss, J.H. (1924). *Management through Accounts*, New York, The Ronald Press Company.
- ✓ Campbell, T. C., M. Gallmeyer, S. A. Johnson, J. Rutherford, and B. W. Stanley. (2011). CEO optimism and forced turnover. *Journal of Financial Economics*, Vol. 101, No. 3, PP. 695-712.
- ✓ Chen, C. X., Gores, T., & Nasev, J. (2014). Investigate the effect of excessive self-esteem of senior executives on long-performance. *Eur.Financ. Manage.* No. 13, PP. 529-557.
- ✓ Demerjian, P.; Lev, B.; Lewis, M.; and S. McVay (2013). "Managerial Ability and Earnings Quality", *The Accounting Review*, Vol. 88, No. 2, pp. 463-498.
- ✓ Givoly, D. and Hayn, C. (2000). "The Changing Time-series Properties of Earning, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservatism?". *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3): 287-320.
- ✓ Freidl, S., & Resebo, P. (2010). Effects of CEO Turnover on Company Performance. Available at: <http://www.arc.hhs.se/download.aspx?MediumId=919>.
- ✓ Hsu, C., Novoselov, K., & Wang, R. (2017). Does Accounting Conservatism Mitigate the Shortcomings of CEO Overconfidence?, *The Accounting Review*. Vol. 92, No. 6, PP. 77-101.
- ✓ Lee, j. (2010). The role of conservative accounting in corporate finance descisions. <http://ssrn.com>.
- ✓ Lindrianasari, & Hartono, J. (2012). Antecedent and Consequence Factors of CEO Turnover in Indonesia. *Management Research Review*, 35(3), PP206 – 224.
- ✓ Maditinos. D., Chatzoudes. D., & Tsairidis, C. (2012). The impact of intellectual capital on firms' market value and financial performance. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 12, No. 1, PP. 132-151.
- ✓ Marchica, M. T. & Mura, R. (2010). Financial flexibility, investment ability, and firm value: Evidence from firms with spare debt capacity. *Financial Management*, PP. 1339-1368.
- ✓ Schrand, C. M., and S. L. C. Zechman. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 53, No. 1-2, PP. 311-329.
- ✓ Wagner, S. M., Grosse-Ruyken, P. T., & Erhun, F. (2012). The link between supply chain fit and financial performance of the firm. *Journal of Operations Management*, 30(4), 340-353.
- ✓ Watts, R.L., (2003b). "Conservatism in Accounting, Part II: Evidence and Research Opportunities". *Accounting Horizons*, 17 (4, December), pp 287-301.
- ✓ Zhang, J. (2013). Conflict-Induced Forced CEO Turnover and Firm Performance. Available at: <http://spectrum.library.concordia.ca>.